

10 اپیزود از وقایع حجاب

معصومه ابتکار

مساله گشت ارشاد و نارضايتي گسترده‌اي که اين‌گونه برخوردها به وجود آورده است، بحث تازه‌اي نيست، اما اينک يك بار ديگر با فاجعه‌اي که روز 22 شهريور رقم خورد، به سرخط خبرها آمده و غم ازدست دادن دختری جوان از دختران آرزومند سرزمین‌مان را بر ديگر غصه‌ها سر بار کرده است. دختری از دختران ما؛ همان‌ها که سردار شهيد سلیماني درباره‌شان گفت اينها همه دختران ما هستند. يك پدر خوب با دخترش چگونه رفتار مي‌کند؟ اين‌چنين؟ در اربعين حسيني و اينک که عزادار هستيم و در خشم و بهت فرو رفته‌ايم، لازم ديدم چند واقعه را در اپیزودهايي از مقاطع زماني دهه‌هاي اخير بيان کنم. باشد تا سهم خود را در قبال تاريخ کشورم و آرمان‌هايي مغفول انقلاب اسلامي بيان کنم.

اپیزود اول:

سال‌هاي منتهي به انقلاب اسلامي و مبارزات عليه استبداد شاهنشاهي، زنان در کنار مردان در همه مراحل مبارزه شرکت داشتند. به شخصه در دانشگاه شاهد بودم که دختران بي‌حجاب در کنار دختران محجبه با طيف وسيعي از اعتقادات زير پرچم ظلم‌ستيزي امام خميني جمع شده بودند؛ حقيقتي که اکنون هم در تصاویر راهپيمايي‌ها و تظاهرات پيش از انقلاب ثبت است. آن روزها و تا مدت کوتاهی بعد از پيروزي انقلاب هيچ فشار و اصراري بر تغيير اين رويه نبود، اگرچه شايد به طور پنهان از سوي آنان که در جريان مبارزات سال 57 هم از امام خواستند که زنان را از شرکت در تظاهرات منع کنند و امام قبول نکردند، دنبال ميشده!

اپیزود دوم:

البته که جنگ تحميلي به اراده صدام جنايتکار و پشتيباني قدرتهاي بزرگ در ايجاد فضاي راديکال در کشور بسيار موثر بود، با اين حال وقتي تعدادي از رزمندگان طی تجمعي در

خيابان وليعصر عليه بي‌حجابي رفتارهاي تندي نشان دادند، امام خميني در توقف رفتارها حکم و دستور رسيدگي دادند. بعد هم هر چه

گروهی تلاش و وساطت کردند تا جلوی احکام آنها گرفته شود، امام با قاطعیت ممانعت کردند.

اپیزود سوم:

در همان سال‌های دهه 60، تلاشی جهت دیوارکشی و ایجاد محدودیت برای خانم‌ها در دانشگاه‌ها صورت گرفت که باز امام خمینی بلافاصله و با صراحت دستور تخریب دیوار و عدم ممانعت حضور خانم‌ها کنار آقایان در دانشگاه‌ها را صادر کردند.

اپیزود چهارم:

سال 1374 به عنوان نماینده سازمان‌های غیردولتی در اجلاس حقوق بشر در ژنو با موضوع خشونت علیه زنان شرکت و صحبت کردم. از آنجا که هیچ سندی از خشونت‌های اجتماعی نداشتم، آن رفتارها را با قید «مطلقاً» در ایران خشونت نداریم تکذیب کردم. اما بعد... هفته بعد از اجلاس ایام عید قربان بود و من همراه خانواده با تعدادی از ایتام تحت سرپرستی مادر به پارک چیتگر رفته بودم. آنجا بود که با کمال تاسف ضرب و شتم دخترانی به جرم دوچرخه‌سواری را دیدم. حتی همسرم که برای وساطت و ممانعت از آسیب به دختران وارد دعوا شد مورد ضرب و شتم شدید عناصر خودسری قرار گرفت که آن سال‌ها آزادانه فعالیت می‌کردند؛ آن‌هم بسیار خشن که موضوع را همان وقت به مسوولان اطلاع دادم. این ماجرا را به‌طور مفصل در کتابم به نام «خوشه‌های شهریور» که سال 88 توسط انتشارات روزنامه اطلاعات به چاپ رسید، شرح داده‌ام.

اپیزود پنجم:

سال 1375 دبیر اجرایی کنفرانس بین‌المللی نقش زنان در خانواده بودم که در تهران برگزار شد. این کنفرانس با حمایت مرحوم خانم شهلا حبیبی مشاور امور زنان مرحوم آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی و همکاری سازمان‌های غیردولتی زنان برگزار شد. سخنران مراسم افتتاحیه خانم دکتر زهرا مصطفوی بود که در سخنرانی خود به برخوردها با زنان و دختران بر سر مساله حجاب اعتراض کردند و گفتند اگر این برخوردها با آقایان صورت می‌گرفت مشکل کمتری داشتیم. البته آن زمان گشت ارشاد نبود، چراکه این گشت در دوره ریاست‌جمهوری آقای احمدی‌نژاد به‌طور کامل شکل گرفت، ولی به هر حال بعد از این سخنرانی، برخی افراد به من به عنوان دبیر اجرایی کنفرانس تذکر دادند که چرا دختر امام جسورانه از زنان دفاع کرد!

اپیزود ششم:

سال 1376 گاهی توفیق حضور در جلسات مرحوم آقای دولابی داشتم. یک بار ایشان تعریف کرد: «چند نفری به عنوان آمران به معروف اینجا آمدند و گفتند چرا تذکرات ما تاثیر ندارد و نتیجه نمی‌گیریم؟ پرسیدم: روش شما چگونه است؟ مثلاً اول سلام می‌کنید؟ گفتند: نه، اینها آدم‌هایی نیستند که بخواهید سلام و احترام کنیم. گفتم: مشکل شما همین است که اصلاً طرف خود را همتای خود نمی‌بینید، پس موفق نمی‌شوید. بروید اول اخلاق و رفتارتان را درست کنید.» (نقل به مضمون)

اپیزود هفتم:

برخوردهای مورد بحث در دوران ریاست‌جمهوری آقای احمدی‌نژاد دوباره شدت گرفت. سال 1387 به عنوان نماینده مردم تهران در شورای شهر تهران طی یک نطق پیش از دستور درباره خشونت گشت ارشاد و آسیبی که به روح و روان مردم و زنان و دختران ما وارد می‌کند صحبت و اعتراض کردم. بلافاصله هم مورد مواخذه و برخوردهای طیف حاکم آن دوران در داخل شورای شهر قرار گرفتم. البته که کوتاه نیامدم و در هر فرصتی تکرار کردم. بالاخره با حربه ردصلاحیت از ورود به شورای چهارم جلوگیری شد ولی من حتی در هیات دولت یازدهم هم که مسوولیت محیطزیست را داشتم، اشکالات این طرح را مطرح کردم.

اپیزود هشتم:

در دولت دوازدهم به خاطر آنکه معاون رییس‌جمهور در امور زنان و خانواده عضو شورای عالی انقلاب فرهنگی است، شاهد بودم که مشخصاً طیف منتسب به خانم کبری خزعلی و خانم زهرا آیت‌اللهی از طریق شورای فرهنگی اجتماعی زنان این موضوع را دنبال می‌کردند، آیین‌نامه انضباطی به شورای عالی انقلاب فرهنگی آمد که تاکید بر سخت‌گیری‌ها داشت و از سوی آن طیف حمایت می‌شد. آنجا نیز اعتراض و سوال کردم که چرا بر این رویکرد نادرست و تجربه ناموفقی که 4 دهه است در این زمینه داریم پافشاری می‌کنید، این نه به صلاح کشور است، نه به صلاح انقلاب و نه ارزشها را تعمیق می‌دهد، بلکه این برخوردهای تحقیرآمیز از دلایل ابراز تمایل دختران به مهاجرت است. اما به جای گوش شنوا شاهد اتهام‌زنی از سوی طیف خانم کبری خزعلی بودم که با اتهام اجرای سند 2030 آدرس غلط می‌دادند تا پافشاری‌هایشان بر رفتارهایی مانند گشت ارشاد پنهان بماند.

اپیزود نهم:

گزارش‌های پژوهشی سال‌های اخیر درباره روند وضعیت حجاب نشان از آثار نامطلوب سیاست‌های سلبی داشت، بنابراین پیشنهاد ایجابی رفع

اجبار حجاب در مدارس دخترانه (مانند مدارس دکتر حداد عادل) را مطرح کردیم که به صورت کارشناسی به دستگاه‌های مربوطه ارایه شد، ولی متأسفانه آن هم با مخالفت طیف تنگ‌نظر مواجه شد، حتی شورای شهر براساس این پیشنهاد و پیگیری‌ها بودجه‌ای را برای اصلاح وضعیت اشراف بر مدارس دخترانه تهران تصویب کرد.

اپیزود دهم:

اگرچه گشت ارشاد زیرنظر مستقیم دولت نبود، ولی به دلیل عدم همراهی دولت یازدهم و دوازدهم با سیاست‌های جبری و سختگیرانه و به‌رغم اصرار افراطیون، تا حدودی از فشارها در آن دولت کاسته شد. این اپیزودها هر يك سرنخی از سیر تکوین رویکردهای خشن و دستوری در مورد حجاب است. هر چه پیش رفتند البته ناکارآمدی شیوه‌هایی را که جز ایجاد ترس و تحقیر و نفرت فایده‌ای ندارد، بیشتر دیده‌اند. پس می‌گویند دوره آموزشی و توجیهی داریم. در حالی که آموزش با جبر و ترس و ارباب سازگاری ندارد و هرگز موثر نخواهد بود. اگر بخواهیم فرهنگی را اصلاح کنیم و آموزشی را ارایه دهیم، اول باید از خودمان شروع کنیم. چگونه؟ باید متخلق به اخلاق اسلامی باشیم و از تضادها و تناقضها دوری جوئیم. متأسفانه جریانی که امروز مدعی این ارزشهاست، خود بیشترین نقش را در تخریب و تهمت و ایجاد و القای بدبینی در جامعه دارد و چون اکنون در قدرت کامل قرار گرفته محک می‌خورد و تناقضها رو می‌شود. امر به معروف و نهی از منکر شرایطی دارد که اگر محقق نشود، این دستور اجتماعی موثر نیز موفق نمی‌شود، به‌علاوه اینکه مهم‌ترین بخش امر به معروف و نهی از منکر جهت آن از سوی مردم به مسوولان است. پس امروز به عنوان يك شهروند و آحادی از مردم به مسوولان می‌گوییم که دست از این روشها و شیوه‌ها بردارند و به اخلاق توأم با احترام به انسان که میراث پیامبر اکرم(ص) است، بازگردند.

□□□□□□ □□□□□□ 27 □□□□□□ □□□□□□ □□□□□□ 1401 □□□□□□ □□□□□□